

موضوع‌گیری نویسنده‌گی و تعهدپذیری دانشجویان دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی در

نگارش رساله

نام نویسنده

مرتبه علمی، رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل نویسنده

چکیده

هدف این مطالعه بررسی موضوع‌گیری دانشجویان دکتری ایرانی و التزام آن‌ها در نگارش رساله‌شان است. شرکت‌کنندگان این مطالعه شامل دانشجویان دکتری ایرانی بودند و داده‌ها برای تحلیل متن رساله‌های دکتری آن‌ها بودند. تحلیل گفتمان بر روی متون داده‌ها به منظور مشخص نمودن موضوع‌گیری و تعهد دانشجویان بر اساس مدل (Hyland, 2008) انجام گرفت. به‌طور کلی نتایج نشان داد که دانشجویان دکتری ایرانی از تمامی المان‌های موضوع‌گیری استفاده می‌کنند، اگرچه برخی از المان‌ها بیشتر از بقیه استفاده می‌شوند. برای مثال استفاده از نشان‌گرهای موضوع‌گیری شامل "actually حقیقتاً"، "believe(s) باور داشتن"، "certain قطعیت"، "واضح بودن clear"، "مطلق بودن definite"، "demonstrate روشن نمودن" و "establish بنا نهادن" حدود ۱۲,۳٪ در رساله مورد استفاده قرار گرفت این در حالی است که استفاده از ارجاع به خود نویسنده مانند "من"، "ما"، "ما"، "محقق یا محققین" ۳۹,۰۴٪ تمام نشان‌گرهای موضوع‌گیری را تشکیل می‌داد. با در نظر گرفتن نشان‌گرهای تعهد، نتایج نشان داد که تمام نشان‌گرهای تعهد به غیر از نشان‌گرهای تعهد مانند سوالات و هدایت‌گرها در متن داده‌ها وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که استفاده از کلماتی مانند Key درصد فراوانی ۱۲,۴۲٪ داشتند در حالی که درصد فراوانی افعال کمکی مانند should have to, must, need, ought ۵۹,۶۲٪ بود.

کلیدواژه‌ها: موضوع‌گیری نویسنده، موضع، نشان‌گرهای تعهد، تحلیل متن، نگارش دانشگاهی

۱. مقدمه

کلمه "موضع stance" بیانگر منابع معنایی، دستوری و متنی است که گویشگران و نویسندگان در هنگام تولید منابع نوشتاری و یا گفتاری به کار می‌برند (Hyland, 2005). در بحث نگارش دانشگاهی، مانند سایر گفتمان‌های نوشتاری، موضع‌گیری "stance taking" شامل حرکت‌های است که به منظور تعیین سطح تعهد به بیان، توضیح اهمیت یک رویداد، ایجاد ارتباط فرضی با خواننده (برای مثال با استفاده از برخی از حروف ربط و شکل‌دهی به پیام‌های متن) توضیح برداشت‌های اشتباهی قابل پیش‌بینی، و سایر ارزش‌های مشابه می‌شود (Hyland, 2005).

مطابق مطالعه انجام‌شده توسط Hyland (2005)، تغییرات بین فردی، عینی‌ترین گفتمان اصلاحی را تشکیل می‌دهد، و متأثر از آگاهی نویسنده از پویایی اجتماعی که در آن گفتمان وجود دارد هدایت می‌شود.

همان‌طور که Biber (۲۰۰۶) بیان می‌دارد، دستیابی به این آگاهی برای دانشجویانی که به دنبال یادگیری نگارش دانشگاهی هستند، چالش‌هایی ایجاد کرده است.

میزان اعتماد و منطقی که نویسنده می‌تواند از خود در گفتمان دانشگاهی بروز دهد به بحث‌های زیادی منجر شده است. از این‌رو متون بی‌شماری به وضوح بیان نموده‌اند که عینیت "objectivity" در عرف نگارش، به‌ویژه نگارش علمی، یک موضوع پذیرفته‌شده جهانی است (Engelbretson, ۲۰۰۷). بنابراین، بسیاری از نویسندگان دانشگاهی به دنبال فرونشاندن نقششان به عنوان نویسنده هستند. این امر در تمایل نویسندگان به پنهان کردن خویش در ورای بحث‌های علمی است (Hyland, ۲۰۰۵). با این حال، همان‌طور که جنبه‌های متقاعدکننده، تحلیلی، و اطلاع‌رسانی نگارش دانشگاهی مستلزم نقش فردی نویسنده است (مثلاً) در انتخاب منابع برای مطالعه، انتخاب داده‌ها برای تفسیر نتایج، و همچنین نحوه تفسیر نتایج، با عینی بودن نگارش دانشگاهی در تضاد است (Biber, 2006).

چالش‌های نگارش دانشگاهی به موضع‌گیری‌های نویسندگان در ایجاد یک نگارش قابل اعتماد به‌ویژه در ساخت معنای میان فردی مربوط است (Engelbretson, ۲۰۰۷). این چالش‌ها همچنین مواردی را دربرمی‌گیرد که نویسندگان زبان دوم در نگارش‌های دانشگاهی با آن مواجه هستند. شواهد بیانگر توجه به چالش‌های نویسندگان زبان دوم در به‌کارگیری یک موضع مؤثر در نگارش دانشگاهی است (Engelbretson, ۲۰۰۷). توجهات زیادی بر موضع‌گیری نویسندگان و زبان‌شناسان با پیش‌زمینه‌های نظری متفاوت شده است. (برای مثال Biber, 2006; Engelbretson, 2007; Hyland, 2005; Martin & White, 2005; Soliday, ۲۰۱۱).

همان‌طور که (۱۹۹۶) اشاره می‌کند، چالش‌های همراه با کسب دانش جدید بیشتر به نحوه بیان دانش‌آموخته شده برمی‌گردد. چنین چالش‌های می‌تواند به دانشجویان گویشور بومی و غیر بومی به عنوان مبتدیان ارتباط داده شود. مطابق نظر Johns (۲۰۰۸)، دانشجویان مبتدی به دانشجویانی اشاره می‌کند که سطح دانش مناسبی در مورد متن، فرهنگ و زبان نگارش دانشگاهی ندارند. عدم آشنایی کامل با گفتمان دانشگاهی و مشکلات دستوری، چالش‌های دانشجویان را به اوج می‌رساند. مطابق Flowerdew (۱۹۹۹)، این چالش‌ها ادعاهای تولید دانش، بیان و پنهان کردن موضع نویسنده انجام می‌گیرد. با این حال همان‌طور که Hammer and Green (۲۰۱۱) بیان می‌دارند، مفاهیمی مانند موضع‌گیری و صدای نویسنده عموماً به عنوان مهارت‌های شناختی در نظر گرفته می‌شوند. علاوه بر این مطالعات زیادی در مورد ابعاد مختلف گفتمان دانشگاهی به‌ویژه مشخصه‌های زبان‌شناسی که با بازنمود نویسنده مرتبط است. همچنین نویسندگان بیان نمودند که نویسندگان دانشگاهی همیشه به دنبال پنهان کردن نقششان نیستند و به‌جای آن آن‌ها به دنبال ارزیابی مؤلفه‌های بافت محور و انتخاب گزینه‌هایشان بر اساس آن‌ها هستند (Bazerman, 1988; Hyland, ۲۰۰۰, ۲۰۰۱). یکی از چالش‌های اصلی نویسندگان زبان دوم در سطح دوره‌های تحصیلات تکمیلی موضع‌گیری آن‌ها به عنوان نویسنده در نگارش‌های دانشگاهی است. این امر موجب ارتباط نگارنده با خواننده، بررسی و تحلیل آثار دیگران، پذیرش ارزیابی‌های جایگزین، و بحث‌های

مختلف است (Hyland, ۲۰۰۴). کوتاهی در ارائه موقعیت نویسندگی اغلب موجب ارزیابی ضعیف دیدگاه نویسنده می‌شود (Wu, 2004; Schlepppegrell, 1993; Barton, ۲۰۰۷).

مطابق Hyland (۲۰۰۸) نشانگرهای ارتباطی، یکی از ویژگی‌های متن است که انعکاس‌دهنده درک نویسندگان از خوانندگان بالقوه است. همان‌طور که Hyland اشاره می‌کند، نویسندگان در هنگام نگارش نیازمند این هستند که حضور خوانندگان را درک کنند، آن‌ها را در بحث خود وارد کنند، توجه آن‌ها را جلب کنند، و آن‌ها را به عنوان مشارکت‌کنندگانی در نظر بگیرد که آن‌ها را به درک درست هدایت می‌کند. نشانگرهای ارتباطی که توسط Hyland (۲۰۰۸) ارائه شده است، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. این نشانگرها در پنج دسته‌بندی شامل ضمیر، دستور، سؤال، نشان‌ها، و دانش اشتراکی خوانندگان می‌شود.

مطابق نظریه نشانگرهای ارتباطی ارائه شده توسط Martin and White (۲۰۰۵)، معانی بین فردی در تعامل دو صدا رخ می‌دهد که "تک‌صدایی" و "چندصدایی" نامیده می‌شود. در نمایش نگاه نویسندگی، نویسندگان نیازمند ایجاد یک تعادل (برای مثال در هنگام ارائه یک بحث و یا منطقی اصلی) و یا صراحت (برای مثال ایجاد فضایی برای پذیرش سایر دیدگاه‌ها و مبادله آن‌ها با خوانندگان) هستند.

موقعیت مناسب برای ارزیابی بین فردی می‌تواند با تطبیق شخصیت و نگرش حرفه‌ای مناسب در ارائه تعیین هویت به‌ساز خود کمک کند (Martin & White, ۲۰۰۵). منظور از مشارکت یعنی، برای ارتباط با خوانندگان صدا را به صورت تک‌صدایی یا چندصدایی ترتیب دهند. در تک‌صدایی جایگزینی‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شوند، زیرا قادر به قرار دادن و تشخیص دیگر صداها و موقعیت‌ها نیستند. علاوه بر این، اظهارات ارائه شده در مورد "تک‌صدایی" اغلب یک نقطه مهم برای بحث یا استدلال است، یا حاوی گزاره‌هایی است که به صورت تصویب پذیرفته شده‌اند و می‌پندارند که خواننده موضع نویسنده را به اشتراک می‌گذارد (Martin & White, ۲۰۰۵).

با این حال در رابطه با چندصدایی، چارچوب تعامل پیشنهاد می‌کند که چندصدایی‌ها می‌توانند به تفصیل شرح داده شوند یا به صورت مختصر در نظر گرفته شوند. با توجه به Martin and White (۲۰۰۵)، تفاوت در هزینه‌هایی است که به لحاظ گفتمان، جایگزین مکان‌ها و صداها (گسترش گفتمان) شوند و یا در غیر این صورت، آن‌ها را به چالش کشیده یا محدود می‌کند. (انقباض گفتمان).

مطالعات این خصوص، با تمرکز بر صدای خواننده موضع را از زوایای مختلف بر مفاهیمی مانند دستگاه‌های هجی کردن برای ابراز توانایی (Hyland, 1998b)، ارجاع به خود (Hyland ۲۰۰۱) و سخنرانی گزارش دادند. (Hyland, ۲۰۰۰).

همه این ویژگی‌ها، اگرچه در مورد موضع گرفتن بسیار آشکار باشند، جنبه‌ی خاصی از موضع را دربر می‌گیرند. بنابراین، مطالعه حاضر از مدل Hyland (۲۰۰۸) استفاده کرد که دقیق‌تر و نمایان‌تر بود. (Hyland, ۲۰۰۸). همان‌طور که توسط Zhao (۲۰۱۴) بیان شده است، صدا ساختاری است که تعریف نظری و عملیاتی خوبی برقرار نمی‌کند. همان‌طور که تداعی می‌شود، مطالعات بسیاری در تلاش برای به رسمیت شناختن اینکه آیا قدرت صدای نویسنده در متون کتبی قابل اطمینان می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد یا خیر، انجام شده است. در یک مطالعه، Zhao (۲۰۱۳) یک رویکرد ترکیبی، برای توسعه و اعتبار یک

بخش تحلیلی، با اندازه‌گیری قدرت صدا در نوشتن استدلال زبان دوم استفاده کرد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که صدای نوشتاری در گفتمان کتبی عمدتاً از طریق ابعاد ذاتی تحقق یافته است: "(۱) حضور و وضوح ایده‌ها در محتوا؛ (۲) شیوه ارائه ایده‌ها؛ و (۳) حضور نویسنده و خواننده" (p. ۲۰۱).

مدل ارائه‌شده توسط Zhao (۲۰۱۳) بر اساس Hyland (۲۰۰۸) بود و تنها در موضع‌گیری معتبر در نوشته‌های استدلالی که برای دیگر ژانرهای نوشتاری مناسب نیست، را تعیین می‌کند. بنابراین، به این نتیجه رسیدیم که استفاده از مدل ارائه‌شده توسط Hyland (۲۰۰۸) دامنه وسیع‌تری دارد و متداول‌تر است. علاوه بر این، همان‌طور که توسط Zhao (۲۰۱۳) بیان شده است، مدل Hyland (۲۰۰۸) به لحاظ مؤثری در بهره‌برداری از اجزای مختلف آن متکی است. یک دلیل دیگر برای اتخاذ مدل Hyland در مطالعه حاضر، اشتغال آن در بسیاری از مطالعات قبلی به عنوان یک پایه قابل اعتماد از تجزیه و تحلیل است. (به عنوان مثال Babapour & Kuhi 2018, Hyland 2008, Kuhi & Mojood 2012, Noorian & Biria 2010, Sayah & Hashemi 2014, Yazdani, Elyassi & Sharifi 2014).

موضع موقت در نوشتن تحقیق یکی از چالش‌های اصلی برای نویسندگان زبان دوم در سطح تحصیلات تکمیلی است (Wu, ۲۰۰۷). موضع‌گیری نوشتاری، نویسنده را قادر می‌سازد تا با خوانندگان ارتباط برقرار کند، کارهای دیگران را ارزیابی و تجزیه و تحلیل کند، ارزیابی‌های جایگزین را پذیرفته و برای یک وضعیت بحث کند (Hyland, ۲۰۰۴). عدم ارائه موضع نوشتاری منطقه‌ای اغلب موجب ارزیابی ضعیف از آینده‌پژوهی نویسنده می‌شود (Barton, 1993, Schleppegrell, 2004, Wu, 2007).

شواهد نشان می‌دهد که در مواجهه با مشکلات طولانی مدت نویسندگان سطح دوم، استفاده از موضع مؤثر ضرورت دارد. در مهر و موم‌های اخیر توجه زیادی از نوشتن تحقیقات و زبان‌شناسان در زمینه‌های نظری مختلف صورت گرفته است (به عنوان مثال biber, Engelbretson, 2006, Hyland, 2007, 2005; Martin and White 2005; Soliday, 2011). علی‌رغم ضرورت حیاتی و اهمیت کنترل موقعیت نوشتاری اصلی برای نویسندگان سطح دوم، نوشتن دستورالعمل برای این نویسندگان به‌طور کلی و نظری بوده است (Hood, 2006).

نویسندگان L2 تنها با چارچوب نوشتاری بسیار رایج در رده‌های نوشتاری خود ارائه می‌دهند، اما بدون حضور نمونه‌های خاص از نحوه نوشتن با توجه به موضع نوشتاری. تحقیق در زبان انگلیسی برای اهداف علمی (EAP) ادعا کرده است که هنگام تحصیل در آموزش نویسندگی پیشرفته، لازم است فعالیت‌های رسمی تغییر یابد. (مثلاً Hood, 2006, Charles 2007, Pho 2008). علاوه بر این، تنها تعداد انگشت‌شماری از مطالعات (به عنوان مثال Babapour & Kuhi 2018, Hyland, 2008, Kuhi & Mojood 2012, Noorian & Biria 2010, Sayah & Hashemi 2014, Yazdani, Sharifi & Elyassi 2014) تاکنون در استفاده از نشانگرهای موضعی در متن ELT ایرانی تحقیق شد. به عنوان مثال، Babapour and Kuhi (2018) یک مطالعه را انجام داد تا به‌طور متناقضی ستون‌های دیدگاه روزنامه‌های انگلیسی و فارسی را بر اساس فرکانس انواع نشانگرهای موضع تجزیه و تحلیل کند.

سیاح و هاشمی (۲۰۱۴) دو دستگاه خاص را به عنوان ویژگی‌های موقعیت و تعامل بر اساس مدل Hyland's (۲۰۰۵) و Frader, Prince و Bosk (۱۹۸۲) را دسته‌بندی و در مجلات علمی مختلف گفتمان ISI و غیر ISI مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیقاتشان نشان می‌دهد تفاوت‌های قابل توجهی بین مجلات ISI و غیر ISI در ویژگی‌های در حال توسعه مانند تردید، ارجاع به خود و تجدیدنظر به دانش مشترک است. Hyland (۲۰۰۸) تعداد ۲۴۰ مقاله پژوهشی را در هشت رشته مورد بررسی قرار داد تا ارجاع به خود و ضمایر مورد استفاده در متن را بررسی کند. او متوجه شد که ارجاع به خود و خواننده-ضمایر، که به‌طور خاص شامل آن‌ها بود، در علوم انسانی و علوم اجتماعی بیشتر بود، در حالی که دستورات تنها ویژگی تعاملی بود که بیشتر در رشته‌های سخت یافت می‌شد.

Yazdani, Sharifiand Elyassi (۲۰۱۴) نشانگرهای فرایافت تعاملی مورد استفاده در اخبار انگلیسی و فارسی در مورد رویدادهای ۱۱ سپتامبر را مورد بررسی قرار دادند. تعداد ۳۰ گزارش خبری فارسی و انگلیسی به صورت تصادفی انتخاب و برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طبقه‌بندی Hyland's (۲۰۰۸) استفاده شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاران آمریکایی از نشانه‌های فرایافت تعاملی بیشتر از روزنامه‌نگاران ایرانی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، روزنامه‌نگاران ایرانی تمایل زیادی به استفاده از نشانه‌های ارجاع به خود و تعامل نداشتند.

هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان تأیید دانشجویان دکترای TEFL است که در زمینه نوشتن پایان‌نامه‌های خود، موضع‌گیری و مشارکت دارند. مروری بر مطالعات قبلی (به عنوان مثال Babapour & Kuhl, 2018; Hyland, 2008; Mojood & Kuhl, 2012; Noorian & Biria, 2010; Sayah & Hashemi, 2014; Yazdani, Sharifi & Elyassi, 2014) نشان می‌دهد، هیچ مطالعه‌ای تا به امروز، تا جایی که محققین از آن اطلاع دارند، میزان درگیری دانشجویان دکترای TEFL در زمینه نوشتن پایان‌نامه‌های خود، بررسی نشده است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

نگاهی به مطالعات انجام‌شده در رابطه با حضور نوشتاری در گفتمان علمی نشان می‌دهد که موضع نوشتاری با استفاده از چارچوب تحلیلی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است (Biber, 2006; Chang & Schleppegrell, 2011; Hyland, 1998, 2000, 2005, 2008; Koutsantoni, 2006; Thompson & Hunston, ۲۰۰۰). Hyland (۲۰۰۵) یک مدل برای تعامل در گفتمان علمی ارائه کرد که حاوی عناصری از موضع‌گیری است. مدل او دارای دو بعد، یعنی موضع و تعامل، بود. ابعاد نگرش مدل "ویژگی‌هایی هستند که به طریقی که نویسندگان خود را نشان می‌دهند و قضاوت‌ها، نظرات و تعهدات خود را بیان می‌کنند" اشاره دارد (Hyland, 2005, p. ۱۷۶). این مدل بعدها به صورت تجربی توسط Hyland (۲۰۰۸) مورد استفاده قرار گرفت و مدل را از اعتبار عملی برخوردار کرد. مطالعه حاضر با استفاده از این مدل می‌تواند وضعیت موضع‌گیری و مشارکت دانشجویان EFL را بررسی کند. جدول ۱ مدل کامل تعامل در مباحثه علمی Hyland (۲۰۰۸) را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مدل تعامل مباحثه، Hyland's (۲۰۰۸).

		مثال	عملکرد	
تعامل	موضع‌گیری	تردیدها	جلوگیری از نویسنده بیش از حد مطلق	
		قطعیت	ابراز نظر و همبستگی نویسنده	
		نشانگرهای نگرشی	نشان دادن عاطفه نویسنده، به‌جای معرفت‌شناسی، نگرش نسبت به گزاره‌ها	
		خود ذکرها	ارائه اطلاعات قیاسی، عاطفی و بین فردی	
	مشارکت	تلفظ‌های خواننده	به ما اجازه دهید.	برای جلب توجه خواننده مورد استفاده قرار می‌گیرد
		Imperative	افزودن	برای هدایت خواننده به اطلاعات اضافی استفاده می‌شود
		دستورالعمل‌ها	باید	مورد استفاده قرار می‌گیرد تا خواننده را به سمت پذیرش یک نقطه فشار دهد
		سؤالات	هر سؤال مورد استفاده	برای جلب توجه خواننده مورد استفاده قرار می‌گیرد
		دانش مشترک	فرضیه نویسنده درباره دانش مشترک با خواننده	ممکن است نویسنده را به شیوه‌ای کمک کند که گویا محصول نوشته شده توسعه یافته است.

همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، ابعاد موضع شامل ۴ عنصر تردیدها، قطعیت‌ها، نشانگرهای نگرش و ارجاع به خود است. ابزارهای تردید، مانند "متمن"، "ممکن" و "شاید" اجازه می‌دهند که نویسندگان از بیش از حد مطلق بودن جلوگیری کنند. از سوی دیگر، قطعیت‌ها عبارت‌هایی مانند "همچون"، "به‌طور مشخص" و "ثابت کردن" به وضوح بیانگر نظرات نویسندگان و نشانگر همبستگی نویسنده با خوانندگان بر اساس اطلاعات مشترک هستند.

بر طبق نظر Hyland (۲۰۰۵، ص ۱۸۰)، نشانگرهای نگرشی نشان می‌دهد که رفتار عاطفی نویسنده، به‌جای معرفت‌شناسی، نگرش به گزاره‌ها، انتقال تعجب، توافق، اهمیت، سرخوردگی و غیره، به‌جای تعهد است. "در تلاش برای پاسخگویی به هدف مطالعه حاضر، پرسش زیر مطرح گردید:

تا چه میزانی، دانشجویان دکترای ایرانی TEFL، در نوشتن پایان‌نامه‌های خود موضع و مشارکت دارند؟

۳. روش پژوهش

۳.۱. جامعه و نمونه آماری

داده‌های پژوهش حاضر شامل پایان‌نامه‌های شرکت‌کنندگان در مقطع تحصیلی مربوطه از قبیل PhD بود. برای این منظور، این پایان‌نامه‌ها یافت شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. جدول ۲ اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

فارق التحصیلی	دانشگاه	جنسیت	کاندیدهای دکترا
۱۳۹۵	علامه طباطبایی	مرد	۱
۱۳۹۴	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	مرد	۲
۱۳۹۳	دانشگاه شیراز	زن	۳
۱۳۹۵	دانشگاه مشهد	مرد	۴
۱۳۹۴	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	مرد	۵
۱۳۹۴	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	مرد	۶
۱۳۹۵	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	مرد	۷
۱۳۹۵	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	زن	۸
۱۳۹۴	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	زن	۹
۱۳۹۵	دانشگاه خوارزمی	زن	۱۰
۱۳۹۴	دانشگاه تهران	زن	۱۱
۱۳۹۴	دانشگاه خوارزمی	مرد	۱۲
۱۳۹۴	دانشگاه خوارزمی	مرد	۱۳
۱۳۹۶	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	مرد	۱۴
۱۳۹۶	دانشگاه آزاد علوم تحقیقات	زن	۱۵

۳.۲. روند کار

برای گردآوری این مطالعه، محقق در ابتدا ۱۵ داوطلب دکترا را به منظور جمع‌آوری داده‌ها خلاصه کرد. هر سؤال از شرکت‌کنندگان پاسخ داده شد و ابهامات از طریق توضیحات کافی در مورد دلیل و نحوه استفاده از داده‌ها برداشته شد. همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که داده‌های جمع‌آوری شده فقط برای اهداف تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند. پس از آن، تجزیه و تحلیل فصل‌های پایان‌نامه (۱ تا ۵) از طریق شناسایی استفاده شرکت‌کنندگان از دستگاه‌های نگرشی همان‌طور که در مدل Hyland (۲۰۰۸) نشان داده شده است، انجام شد. با توجه به ماهیت کیفی این مطالعه، دو تحلیل‌گر، نوشته‌ها را تجزیه و تحلیل کردند و از طریق تعیین میزان توافق بین امتیاز دو تحلیل‌گر، قابلیت اطمینان این روش تخمین زده شد. به عبارت دیگر، توافقیها و اختلافات بین نمره‌های دو تحلیل‌گر با استفاده از ضریب اطمینان Holist (1969) (C.R) محاسبه می‌شود، که تعداد توافق در کل تعداد تصمیمات کدگذاری را نشان می‌دهد. سپس، توصیف و مقایسه در استفاده از نشانگرهای موضع (ابعاد نگرشی) انجام و گزارش داده شد.

۴. تفسیر داده‌ها

سؤال تحقیق در این مطالعه به بررسی نحوه پیشبرد اهداف دانشجویان دکتری ایرانی TEFL در موضع‌گیری و مشارکت برای نوشتن پایان‌نامه‌های آن‌ها می‌پردازد. به منظور پاسخ به این سؤال، عناصر موضع بر اساس مدل Hyland از تعامل گفتمانی شناسایی و تکرارهای آن‌ها محاسبه شد. جدول ۳ عناصر موضعی در بخش‌های مختلف پایان‌نامه‌ها و تعداد دفعات تکرار آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳. عناصر موضع در پایان‌نامه‌ها و شمارش فرکانس آن‌ها

مجموع	خود ذکرها	نشانگرهای نگارشی	قطعیت‌ها	تردیدها
۱۰۰۵ (٪۱۰۰)	۴۴۱ (٪۳۹,۰۴)	۲۲۶ (٪۲۴,۷۶)	۱۱۳ (٪۱۲,۳۸)	۲۲۵ (٪۲۳/۸۰)
۵۱ (٪۵,۰۷)	۲۶ (٪۵,۸۹)	۹ (٪۲,۹۸)	۵ (٪۰,۴۲)	۱۱ (٪۰,۴۸۸)
۱۶۰ (٪۱۵,۹۲)	۵۵ (٪۱۲,۴۷)	۴۶ (٪۲۰,۳۵)	۲۲ (٪۱۹,۴۶)	۳۷ (٪۱۶/۴۴)
۳۴۳ (٪۳۴,۱۲)	۱۳۴ (٪۳۰,۳۸)	۷۹ (٪۲۴,۹۵)	۴۹ (٪۱۳,۳۶)	۸۱ (٪۲۴,۳۶)
۱۱۱ (٪۱۱,۰۴)	۵۷ (٪۱۲,۹۲)	۱۶ (٪۱,۴۷)	۸ (٪۰,۷۰۷)	۳۰ (٪۲,۷۰۷)
۲۱۹ (٪۲۱,۷۹)	۱۰۱ (٪۲۲,۹۰)	۵۱ (٪۲۲,۵۶)	۲۲ (٪۱۹,۴۶)	۴۵ (٪۲۰,۴۵)
۱۲۱ (٪۱۲,۰۳)	۶۸ (٪۱۵,۴۱)	۲۵ (٪۱۱,۰۶)	۷ (٪۰,۶۰۶)	۲۱ (٪۱,۷۰۶)

بر اساس تعداد تناوب، تردیدها حاوی ۲۳,۸۰ درصد، قطعیت‌ها ۱۲,۳۸ درصد، نشانگرهای نگرش ۲۴,۷۶ درصد و ارجاع به خود ۳۹,۰۴ درصد از موضع‌گیری بودند. بر این اساس، ارجاع به خود بیشترین عنصر قابل استفاده بود، سپس به ترتیب نزولی، نشانگرهای نگرش، تردیدها و قطعیت‌ها قرار می‌گرفتند.

در بخش‌های دیگر پایان‌نامه‌ها (انتزاعی، مقدمه، بررسی ادبیات، روش‌شناسی، نتایج و نتیجه‌گیری)، سازنده‌ترین موضع گیرنده، خود ذکرها بودند و کمترین تکرار و استفاده، قطعیت‌ها بودند.

از دیدگاهی دیگر، همه انواع سازندگان موضع اغلب در بخش بررسی ادبیات پایان‌نامه‌ها دیده می‌شود. پس از بررسی بخش ادبیات، بخش نتایج شامل نشانگرهای موضعی بیشتری از جمله تردیدها، قطعیت‌ها، نشانگرهای نگرش، ارجاع به خود نسبت به بخش‌های دیگر پایان‌نامه‌ها بود. بخش بعدی که حاوی نشانگرهای موضعی بیشتری بود (همه انواع نشانگرهای موضعی) مقدمه بود. با این حال، با توجه به روش‌شناسی و نتیجه‌گیری، تناوب در بین نشانگرهای موضعی یکسان نبود. به عنوان مثال، در تردیدها، بخش روش‌شناسی (٪۱۳,۳۳) شامل تردید بیشتر از بخش نتیجه‌گیری (٪۹۳,۳) بود. در بخش قطعیت‌ها، بخش روش‌شناسی (٪۸) شامل حمایت بیشتر از بخش نتیجه‌گیری (٪۷) بود. اما در دسته‌های نشانگرهای نگرش و خود ذکر، بخش نتیجه‌گیری بود که بیشتر شامل نشانگرهای نگرش و خود ذکر بود. در شاخص‌های نگرشی، بخش نتیجه‌گیری دارای فرکانس ٪۱۱,۰۶ بود در حالی که بخش روش شامل ٪۰,۷۰۷ نشانگرهای نگرش

بود. در بخش ارجاع نویسندگان به خود، بخش نتیجه‌گیری دارای تناوب ۱۵/۴۱ درصد در حالی که بخش روش‌شناسی شامل ۹۲/۱۲ درصد بود. سرانجام، بخش انتزاعی شامل حداقل مقدار از همه نشانگرهای موضع بود. بر اساس تجزیه و تحلیل، تردیدها شامل کلماتی مانند تقریباً، ظاهراً، تقریباً، در اطراف، برآورد، اغلب، به‌طور کلی، عمدتاً، اغلب، کاملاً، و نه نسبتاً، می‌باشد. مثال‌های زیر از پایان‌نامه‌ها نشان می‌دهد، استفاده از حروف درشت (bold-faced) توسط شرکت‌کنندگان دکتر صورت گرفته است.

Apparent

*It is **apparent**, to the teachers that were interviewed, that emotions are a fundamental way in which they respond to their students and their institutional contexts.*

*The need for second language writing became increasingly **apparent** as a result of the international expansion of English*

آشکار

برای معلمین مصاحبه شده واضح است که احساسات شیوه‌ای اساسی هستند که توسط آن‌ها به دانش آموزان و متن‌های سازمانی پاسخ می‌دهند.

نیاز به نوشتن زبان دوم به عنوان نتیجه‌ای از گسترش بین‌المللی زبان انگلیسی به‌طور فزاینده‌ای ظاهر شد
...

اطراف

..... هویت حرفه‌ای و هویت معنوی که عمدتاً در اطراف ارزش‌های تعبیه شده در تدریس زبان انگلیسی می‌شوند.

----- تعامل دانش آموزان در موضوعات بیان شده در مورد ایده‌هایی که به عنوان اصالت در آموزش اهمیت داده می‌شوند.

Around

*.....professional identity, and spiritual identity which mainly revolve **around** the values embedded in English language teaching.*

*-----engagement of the students in subjects expressed **around** ideas that matter as authenticity in teaching.*

Estimated

*However, the model of role of cognitive and motivational individual difference variables in writing, **estimated** by using*

*A full SEM model allows researchers to **estimate** both the links....*

It should be noted that all the instances of hedges specified in the list (See Appendix) were not found in the dissertations and only the ones found are listed above. Similar procedure was used to identify instances of booster in the dissertations. Based on the analysis the booster markers included *actually, believe(s), believed, certain, clear, definite, demonstrate(s), demonstrated, establish*. Some of the examples of these boosters are listed below:

تخمین

با این حال، مدل نقش متغیرهای تفاوت فردی شناختی و انگیزشی در نوشتن، برآورد شده با استفاده از مدل SEM کامل اجازه می‌دهد تا محققان هر دو لینک‌ها را برآورد کنند ... لازم به ذکر است که تمام نمونه‌هایی که در فهرست ذکر شده‌اند (رجوع به ضمیمه) در پایان‌نامه‌ها یافت نشد و فقط مواردی که یافت شده در بالا ذکر شده‌اند. روش مشابهی برای شناسایی نمونه‌های قطعیت‌ها در پایان‌نامه‌ها استفاده شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل نشانگرهای قطعیت شامل: در واقع، اعتقاد (باور)، مشخص، روشن، قطعی، نشان دادن (نشان می‌دهد)، نشان داد، ایجاد کنید. برخی از نمونه‌های این قطعیت‌ها در زیر آورده شده‌اند:

Actually

Actually I judge my teaching from my students' points of view.

This body of research has shown that self-efficacy is a reliable predictor of students' writing performance and mediates between what they believe they can write and what they actually write.

در واقع

در حقیقت، تدریس من از دیدگاه دانشجویانم قضاوت می‌شود. این تحقیق نشان داده است که خودکارآمدی پیش‌بینی قابل اعتماد از عملکرد نوشتاری دانش آموزان است و میان آنچه که آن‌ها معتقدند می‌توانند بنویسند و آنچه که در واقع نوشته می‌شوند، میانجی است. این مدرسه معتقد است که تفسیرها هرچه داریم هستند، و توصیف خودش فرایند تفسیری است. او معتقد بود که به رسمیت شناختن افق‌های اهمیت، اهمیت جدیدی برای صداقت بودن با خودم دارد. با توجه به استفاده از نشانگرهای نگرش، تمام موارد نشانگرهای نگرش شناسایی شد و درصد آن‌ها محاسبه شد. نشانگرهای نگرش شامل توافق، مخالفت، انتظار، ترجیح، مناسب و انتظار می‌رود و برخی از نمونه‌هایی از نشانگرهای نگرشی در پایان‌نامه‌ها به شرح زیر است:

Agree

.....10 teachers ignored the emails, and 5 teachers didn't agree to participate in the study as they were busy and the study was time-consuming.

.....who agreed to participate in this project and those who answered the emails in spite of their

disagreement to participate in the study.

موافقت

۱۰ معلم ایمیل‌ها را نادیده گرفتند و ۵ معلم با مشارکت در این مطالعه موافق نبودند، زیرا مشغول بودند و مطالعه زمان زیادی می‌برد.

... .. آن‌ها که موافقت کردند که در این پروژه شرکت کنند و کسانی که علیرغم عدم موافقت آن‌ها برای شرکت در این مطالعه به ایمیل‌های خود پاسخ داده‌اند.

Disagreeing with appropriateness discussed in many books and papers which the participants read during the period of being EFL learners ...

You know, we can say that we agree with this or we disagree with that.

مخالف بودن

مخالفت به طور مناسب، مورد بحث بسیاری از کتابها و مقالات که شرکت کنندگان خواندن در طول دوره زبان آموزان EFL... قرار گرفت.

می دانی، می توانیم بگوییم که با این موافق هستیم یا با آن مخالف هستیم.

ارجاع نویسندگی به خود:

آخرین رده برای تحقق موضع گرفتن در متون بود. بر اساس چارچوب تجزیه و تحلیل، خود ذکرها در قالب خلاصه‌ای از کلمات مانند من، با من، مال من، ما، با ما، مال ما، محقق و پژوهشگر ظاهر شد. برخی از نمونه‌های ارجاع نویسندگی به خود در پایان‌نامه‌ها به شرح زیر است:

So, I was motivated to speak and show myself and my world.

I try to be different at least by introducing new books and new materials in my Class.

بنابراین، من انگیزه داشتم که صحبت کنم و خودم و جهانم را نشان دهم.

من سعی می‌کنم با ارائه کتابها و مواد جدید کلاس متفاوت باشم.

Me

It was a great possibility for me to work with such a great and intelligent teacher....

.....structural and situational disadvantages made me commit myself to a more egalitarian perspective in teaching.

من

این یک فرصت عالی برای من بود تا با چنین معلمی بزرگ و هوشمند کار کنم ...

... .. مناقشات ساختاری و موقعیتی من را متعهد به یک دیدگاه عادلانه‌تر در تدریس نمود.

بر اساس تجزیه و تحلیل، مشخص شد که دانشجویان دکترای ایرانی، موضع خود را در رشته‌های خود قرار می‌دهند. همان‌طور که در نمونه‌های فوق از بیشتر عناصر موضع‌گیری مشهود بود، با توجه به مثالی که در پایان‌نامه‌ها وجود دارد نشان می‌دهد که دانشجویان دکترای ایران می‌دانند که چگونه در متون علمی خود از موضع‌گیری استفاده کنند.

روش مشابهی برای شناسایی نحوه استفاده از دانشجویان دکترای نشانگرهای تعامل در پایان‌نامه‌هایشان اتخاذ شد. بر اساس تجزیه و تحلیل متن، دریافت شد که استفاده از نشانگرهای تعامل بسیار کمتر از نشانگرهای موضع در پایان‌نامه‌های دانشجویان دکترای ایرانی بود. این مشارکت عمدتاً از طریق استفاده از دستورالعمل در قالب ضرورت انجام می‌شود. جدول ۴ تعداد دفعات استفاده از نشانگرهای تعامل توسط دانشجویان دکترای ایرانی را نشان می‌دهد.

جدول ۴ تعداد دفعات استفاده از نشانگرهای تعامل توسط دانشجویان دکترای ایرانی.

مشارکت markers	خواننده pronoun	اصوات	سؤالات	دستورالعمل‌ها (imperative)	دستورالعمل‌ها (obligation modals)	مجموع
مجموع	۳۱۵ (۲۷,۹۵٪)	۱۴۰ (۱۲,۴۲٪)	۰	۰	۶۷۲ (۵۹,۶۲٪)	۱۱۲۷ (۱۰۰٪)
انتزاع	۰ (۰٪)	۱۹ (۱۳,۵۷٪)	۰	۰	۵۱ (۷,۵۸٪)	۷۶ (۶,۷۴٪)
مقدمه	۴۵ (۱۴,۲۸٪)	۲۵ (۱۷,۸۵٪)	۰	۰	۱۲۳ (۱۸,۳۰٪)	۱۹۳ (۱۷,۱۲٪)
مرور بر ادبیات	۱۱۰ (۳۴,۹۲٪)	۴۱ (۲۹,۲۸٪)	۰	۰	۲۰۹ (۳۱,۱۰٪)	۳۶۰ (۳۱,۹۴٪)
روش‌شناسی	۲ (۰,۶۳٪)	۵ (۳,۵۷٪)	۰	۰	۶۳ (۹,۳۵٪)	۷۰ (۶,۲۱٪)
نتیجه	۸۷ (۲۷,۶۱٪)	۲۹ (۲۰,۷۱٪)	۰	۰	۱۴۵ (۲۱,۵۷٪)	۲۶۱ (۲۳,۱۵٪)
نتیجه‌گیری	۷۱ (۲۲,۵۳٪)	۲۱ (۱۵٪)	۰	۰	۸۱ (۱۲,۰۵٪)	۱۷۳ (۱۵,۳۵٪)

تجزیه و تحلیل متن با شناسایی نشانگرهای موضع مشخص شده در چارچوب تجزیه و تحلیل انجام شد. در نشانگرهای چارچوب مشارکت به عنوان ضرایب خواننده مشخص شده است مانند اجازه دادن به ما، اجازه دهید، یکی، خواننده ما، شما، بازجوها مانند راه، به هر حال، کلید، سؤال فکر استفاده از سؤالات علامت (؟)، دستورالعمل‌ها (دستوری) مانند اضافه کردن، اجازه دادن، تجزیه و تحلیل، اعمال، ترتیب، ارزیابی، فرض، محاسبه، انتخاب، طبقه‌بندی، مقایسه، اتصال، در نظر گرفتن، مشورت، تفاوت، تعریف، نشان دادن، انجام ندهید و دستورالعمل‌ها (مودال‌های اجباری) مانند باید، باید، باید، باید باشد. همان‌طور که در جدول ۴,۲ نشان داده شده است، استفاده از مودال‌های لازم، عناصر اصلی نشانگر تعامل (۵۹,۶۲٪) توسط دانشجویان دکتر است. به دنبال مودال‌های موردنیاز، نامزدان دکترای از ضوابط خواننده مانند خواننده، خواننده، خواننده ما و ما بیشتر (۲۷/۹۵ درصد) استفاده می‌کردند. آخرین رده‌بندی نشانگرهای تعامل که اغلب توسط دانشجویان دکتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، از جمله راه‌های، تصادفی و غیره (۱۲,۴۲٪) بود. با توجه به استفاده از نشانگرهای تعامل در بخش‌های مختلف پایان‌نامه‌ها، مدال‌های تعهدی اغلب در مرور ادبیات و به دنبال آن نتیجه، مقدمه، نتیجه‌گیری، روش‌شناسی و بخش انتزاعی به روش نزولی دیده می‌شود. با توجه به استفاده از تداخل، اغلب در بازنویسی ادبیات و سپس نتایج، مقدمه، نتیجه‌گیری، انتزاع و بخش‌های متداول در روش نزولی مشاهده شد. با توجه به ضرایب خواننده، ضمائر خواننده اغلب در مرور ادبیات و سپس نتیجه، نتیجه‌گیری، معرفی، روش‌شناسی و بخش انتزاعی به روش نزولی دیده می‌شود. بنابراین، نقطه اصلی تشابه در بخش پایان‌نامه‌ها این بود که مرور ادبیات بیشترین نشانگرهای تعامل را به دنبال بخش نتایج به دست آورد. بخش خلاصه شامل حداقل مقدار از همه نشانگرهای تعامل به استثنای باز دیده‌ها است. به عبارت دیگر، طبقه‌بندی تداخل در اغلب موارد در بخش‌های روش‌شناختی رخ داده است و

نه در خلاصه. در تجزیه و تحلیل کارهای رسمی خواننده به معنای استخدام کلمات مانند نامزدی و خواننده توسط نامزدان دکترای ایرانی بود. بعضی از نمونه‌های استفاده از ضمائر خواننده به شرح زیر است:

One's

*This study probed the conceptualization of authenticity as being true to **one's** own self in choosing among the existing possibilities in teaching and investigated its link to Iranian EFL teachers 'and learners' emotional life through critical emotional praxis. Kellner (1973) asserted that the aim of inauthenticity is to maintain **one's** own standing in society and explained that.....*

خویش

این مطالعه مفهوم‌سازی اصالت را به عنوان خود به خودی در انتخاب میان امکانات موجود در تدریس و بررسی ارتباط آن با آموزگاران زبان انگلیسی EFL و زندگی عاطفی دانش آموزان از طریق پراکسی عاطفی انتقادی مورد بررسی قرار داد.

Kellner (۱۹۷۳) تأکید کرد که هدف از عدم صلاحیت، حفظ موقعیت خود در جامعه است و توضیح داد که

Reader

*It creates verisimilitude, a space for the **reader** to imagine his or her way into the life experiences of another.*

خواننده

این ایجاد اعتدالی، فضایی برای خواننده است تا راه خود را در تجارب زندگی دیگران تصور کنید.

یکی دیگر از جنبه‌های تعامل، دخالت بود که تصور می‌شد استفاده از کلید کار توسط دانشجویان دکترا انجام می‌شد. بعضی مثال‌ها به شرح زیر است:

Key

*The observation that students and teachers do not conceptualize authenticity in teaching principally in relation to the existential, critical and communitarian perspectives was one of the **key** findings that emerged from the analysis of repertory grid data.*

کلید

مشاهداتی که دانش آموزان و معلمان اصالت را در تدریس مفهوم نمی‌کنند.

به‌طور عمده در ارتباط با دیدگاه‌های وجودی، انتقادی و کمونیستی یکی بود.

از یافته‌های کلیدی که از تجزیه و تحلیل داده‌های شبکه‌ی مجتمعه منتشر شد.

دسته‌بندی‌های مشکوک پرسش و دستورالعمل و یا ضروری، توسط دانشجویان دکترا به دست نیامده است. اگرچه سؤالات در پایان‌نامه‌ها وجود داشت اما این سؤالات یا سؤالات تحقیق یا سؤالاتی که در ضمیمه پایان‌نامه‌ها بود در جذب خوانندگان هدف نداشتند؟

با توجه به استفاده از مودال لزوم به عنوان دستورالعمل برای جذب خوانندگان، نامزدهای دکترا کلمات و عباراتی مانند "باید" استفاده کنند. بعضی از نمونه‌هایی برای استفاده از مودال به عنوان دستورالعمل به شرح زیر هستند:

Have to

*However, Sasaki (2009) proposed that due to the fact that —foreign language students do not always **have to** set goals to survive in their L2 learning situations.*

*If Dasein itself were a being, one would then have to question the process by which a clearing were made for it to appear, and if that in turn were a being, one would **have to** question the process by which it appeared, and so on to infinity.*

اجبار

با این حال، Sasaki (۲۰۰۹) پیشنهاد می‌کند که به دلیل این واقعیت است که دانش آموزان زبان خارجی نمی‌توانند همیشه در اهداف یادگیری خود در زبان دوم قرار گیرند. اگر Dasein خودش هستی بود، پس باید فرایندی را که برای روشن شدن آن ساخته شده بود، مورد سوء قصد قرار دهیم، و اگر این به نوبه خود یک هستی باشد، باید فرایندی را که به نظر می‌رسد مورد پرسش قرار دهند به همین ترتیب تا بی‌نهایت.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای آموزشی و پژوهشی

پژوهش حاضر با هدف بررسی استفاده از موضع‌گیری و تعامل در پایان‌نامه‌های دانشجویان دکتری انجام شده است. متن این مطالعه شامل پایان‌نامه‌هایی است که توسط دانشجویان دکتری در رشته زبان‌شناسی کاربردی نوشته شده است. چارچوب تجزیه و تحلیل شامل شناسایی عناصر موضع‌گیری و تعامل است که توسط Hyland (۲۰۰۵) پیشنهاد شد. پس از شناسایی عناصر موضع و تعامل، تناوب و درصد آن‌ها محاسبه شد. در مجموع، دانشجویان دکتری ایرانی از تمامی عناصر موضع‌گیری استفاده می‌کردند، اگرچه بعضی از عناصر بیشتر از سایرین حضور داشتند. به عنوان مثال، استفاده از نشان‌گرهای قطعیت مانند واقعی، اعتقاد، معتقد، مشخص، واضح، قطعی، نشان داده‌شده و ایجاد شده در پایان‌نامه‌ها در حدود ۱۲٫۳۸٪ در حالی که استفاده از ارجاع به خود مانند من، با من، مال من، ما، با ما، مال ما، محقق و محققان در حدود ۳۹٫۰۴٪ از

همه نمونه‌هایی از نشانگرهای موضع استفاده شده توسط نامزدان دکترا حضور داشتند. با توجه به این تعامل، مشخص شد که تمام نشانگرهای تعامل در این مقاله به جز نشانگرهای تعامل مانند سؤالات و دستورالعمل (ضروری) حضور داشتند. همان‌طور که در موضع‌گیری عناصر تعامل وجود دارد با درجه‌های مختلف. به عنوان مثال، استفاده از بازیدها مانند استفاده از کلمه کلید ۱۲,۴۲٪ بود در حالی که از نوع مدال مانند "باید" ۵۹,۶۲٪ بود.

یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه این بود که بیشتر نشانگرهای موضع و تعامل در بخش بررسی ادبیات پایان‌نامه‌ها یافت شد. این یافته را می‌توان در زمین توضیح داد که بخش عمده‌ای از مطالعات در مورد استدلال‌های تئوری و توجیه در مقالات بازنویسی پایان‌نامه‌ها (Hart ۲۰۰۱) یافت می‌شود. با در نظر گرفتن این واقعیت که ایجاد موضع برای بازتاب ارزیابی و نظرات نویسندگان با استفاده از معیارها و شواهد ارزیابی است، انتظار می‌رود که مقدار زیادی از نشانگرهای موضع در بخش بررسی ادبیات مورد انتظار باشد. طبق گفته Hyland (۲۰۰۵)، موضع‌گیری شامل مراحل برای تعیین سطح تعهد به اعلامیه، اهمیت شواهد، تساوی با خوانندگان داستانی (به عنوان مثال، ایجاد امتیازات و شکل دادن به اطلاعات عمومی)، توضیح سوءتفاهم‌های قابل پیش‌بینی، و دیگر مقادیر تعاملی می‌باشد. از سوی دیگر، بخش انتزاعی حاوی حداقل میزان سازندگان موضع و تعامل است که می‌تواند به طبیعت و عملکرد خلاصه در نوشتن دانشگاهی مرتبط باشد. توضیح می‌تواند این باشد که انتزاعی یک گزارش کوتاه در مورد محتوای یک مقاله (Lorés-Sanz, ۲۰۰۴) است و مکان زیادی برای استدلال و موضع‌گیری وجود ندارد. بنابراین انتظار نمانده است که در مقاطع انتزاعی پایان‌نامه‌ها نسبت به سایر بخش‌های پایان‌نامه، موضع بسیار زیادی را در نظر بگیریم.

بر اساس نتایج فوق، به این نتیجه رسیدند که به‌طور کلی دانشجویان دکتری ایرانی آگاهی کامل در مورد استفاده از نشانگرهای موضعی و مشارکت داشتند و می‌توانستند از آن‌ها در رشته‌های خود استفاده کنند. این یافته در همه جای تعجب نبود زیرا اولاً آن‌ها در زبان‌شناسی کاربردی تخصص داشتند و احتمالاً قبلاً با مفاهیم زبان‌شناسی مانند نوشتن دانشگاهی، استدلال، ژانر و غیره آشنایی داشتند. در مرحله دوم، داوطلبان دکترا تعداد زیادی از مقالات علمی را که ممکن است به آن‌ها کمک کرده‌اند، از عناصر موضعی در نوشته‌های خود استفاده کنند. در این راستا، بسیاری از محققین گزارش کرده‌اند که بین نوشتن و خواندن رابطه مثبت وجود دارد (به عنوان مثال Hany, 2007; Zainal & Husin, 2011; Almansour & Alshorman, 2014; صالحی، اصغری و امینی، ۲۰۱۵) که این ادعا را تکرار می‌کنند که کاندیدای دکترا مقالات علمی بر نوشتن دانشگاهی آن‌ها تأثیر گذاشته است.

شامل بحث نظری از زبان انگلیسی برای هدف خاص است که آن‌ها را با انتظارات جامعه گفتمان از نوشتن دانشگاهی، از جمله موضع آشنا می‌کند. سایر مطالعات همچنین گزارش دادند که کاندیدان دوره‌های مرتبط با زبان انگلیسی را برای دوره‌های آموزشی دانشگاهی، با تمرکز بر روی آگاهی‌های لفظی (مثلاً Belcher, 2004; Casanave, 2003; Swales & Feak, 2000) می‌گذرانند.

نتیجه‌گیری کلی از یافته‌های این مطالعه این بود که دانشجویان دکتری ایرانی آگاهی کافی نسبت به نقش اساسی موضع‌گیری در نوشتن دانشگاهی دارند و بهترین کار را برای صدور و موقعیت خود در نوشتن آن‌ها

انجام می‌دهند. علاوه بر این، آن‌ها در سخنرانی‌های خود موضع‌گیری می‌کنند و دیدگاه خود را از این نظر بازتاب می‌دهند، هرچند که در حساب‌هایشان اعتراف می‌کنند که مهارت‌هایشان در موضع‌گیری نوشته‌هایشان رضایت کامل ندارند. درنهایت باید ذکر کرد که بحث‌های فوق، توضیحات و استدلال‌های فرضی است که با مطالعات قبلی و اطلاعات موجود در اختیار محقق به عنوان عضو جامعه دانشگاهی در TESOL در ایران حمایت می‌شود. به عنوان کاندیدای دکترا، من شاهد آن بوده‌ام که چگونه دانشجویان کارشناسی ارشد در برنامه‌های TESOL در ایران از کمبود زبان انگلیسی رنج می‌برند. به‌طور مشابه، بسیاری از دانش‌پژوهان در مورد ژانر و نظریه‌های نوشته می‌دانند، اما در عمل آن‌ها اعتماد ندارند و همچنین مهارت‌هایی را برای اعمال دانش خود برای حل مشکلات نوشتاری خود ندارند. علاوه بر این، آنچه در تحقیق حاضر نشان داده شده است نشان می‌دهد که دانشجویان دکترای ایرانی از نوشتن آن‌ها در موقعیت و نشانگرهای تعامل استفاده می‌کنند، اما نشان می‌دهد که به درستی از نشانگرهای موضع و تعامل برای نشان دادن صدای شخصی خود استفاده نمی‌کنند. بنابراین، کاملاً فرض است که فرض کنیم که نامزدان دکترای خود را در مورد موضع گرفتن و نوشتن علمی به دلیل دوره‌ای که گذشت و خواندن آن‌ها انجام داده‌اند و از این دانش برای استفاده از نشانه‌های مشخص و نشانگر تعامل در نوشتن آن‌ها استفاده کرده‌اند. با این حال، نمی‌توان انتظار داشت که آن‌ها موضع‌گیری و تعامل درست را در نوشته‌های دانشگاهی خود داشته باشند.

